



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۱/۰۵



عبدالقیوم میرزاده

## ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته ( قسمت بیست و هشتم)

### فقر فرهنگی و خرافات

فقر فرهنگی و ندانستن مردم از فرهنگ کشور خود شان و اعتقادات و باور های خرافی یکی دیگر از چالش های فراروی کشور ما میباشد که یقیناً در پروسه ملت شدن و آگاهی از منافع ملی نقش بارز و بسیار با اهمیتی دارد. این بی خبری مردم از فرهنگ بومی خود شان را فقر فرهنگی میتوان گفت و این امر باعث میگردد تا هجوم فرهنگی در کشور صورت گرفته و مردم ما را از خود بیگانه سازد و همه ارزش های مادی و معنوی خودی یا بومی بی ارزش گردند و مردم با فرهنگ خود بیگانه گردند همانست که جایش را یا خلایش را فرهنگ بیگانه پر کرده و بر شئونات جامعه تأثیر گزار گردد. این مسئله نه تنها زیانهای مادی را بر جامعه ما وارد میکند بلکه مردم را نه تنها با فرهنگ خود شان بیگانه میسازد بلکه با وطن و زادگاه شان نیز بیگانه میسازد و از احساس شان برای هویت واحد و یک ملت واحد جلو گیری بعمل می آید.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

برای جلوگیری از هجوم فرهنگی بیگانه لازم است تا همه داشته های فرهنگی کشور ما و داشته های تاریخی این مرز و بوم از طریق کتب درسی مکاتب، کورسهای آموزش سواد و موسسات تحصیلات عالی، بروشور های تبلیغاتی، رادیو، تلویزیون، جراید، مجلات، منبر مساجد و تکایا و بوسیله مبلغین در قطعات و جزوتمهای ارتش، پولیس و ارگانهای امنیتی، قضایی و عدلی به آگاهی عموم ملت رسانیده شود تا آنها فرهنگ خودی و بیگانه را تشخیص داده بتوانند، به مردم توضیح گردد که بیگانگی از فرهنگ خود و چسبیدن به فرهنگ بیگانه چه مصیبت هایی را به خودشان و جامعه باعث میگردد.

در اینجا قابل یاددهانی میدانم که خرافات و پدیده های موهوم غیر عقلانی تحت نام عقاید مذهبی مشکل دیگریست که تا کنون در کشور ما متاسفانه ذهنیت های مردم ما را در گرو گرفته که از یکطرف فضای منطق و استدلال و بحث های مستدل را در میان مردم محدود میسازد و از طرف دیگر از اشتراک فعال مردم در رویداد های سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و فرهنگی جلوگیری بعمل آورده مردم ما را اعم از زن و مرد، پیر و جوان عاطل و باطل ساخته و همه را به این معتقد گشتانده که به هر چه داری یا برایت میرسد شکر کن و از تلاش برای بهبود زنده گی و آینده ای بهتر صرف نظر کن که این امر در تمام ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی باعث عقب مانی عمومی میگردد.

## خرافات چیست؟

لازم می افتد کمی در این باره توضیح ارائه کنم تا این معضل بصورت درست و منطقی برای همگان قابل درک باشد. خرافات پاره ای از باور ها و اعتقادات مردم است که هیچکدام پایه ای علمی و منطقی نداشته و فهم بشر تا کنون آنرا به اثبات نرسانیده است ولی تأثیرات بسیار ناگوار در زنده گی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و افراد آن وارد میکند. خرافات از زمانه های بسیار دور در زنده گی انسانها وجود داشته تا حدی که انسانهای اولیه تمام فعل و انفعالات غیر عادی زنده گی مثل سیلاب، آب خیزی، زلزله، آتشفشان، خشکسالی، بیماری های خطرناک و قحطی را از جانب قدرت های نامریی مرموز میدانستند و برای رفع و جلوگیری آن پیوسته محتاج رمال، تعویذ نویس و جادوگر بوده اند و فهم شان این بود که تنها بوسیله رمل، تعویذ و جادو میتوان جلوگیری آفت ها و بلا ها شد.

اساساً تا کنون علما و دانشمندان علوم اجتماعی و تجربی کدام تعریف معین از خرافات ارائه نکرده اند اما همه برویت خرافات و پدیده های موهوم موجود در اجتماع در وجود مصادیقش و پیامد های اجتماعی آن آنرا به مردم توضیح کرده و با ذکر مثال های اجتماعی آنرا به معرفی میگیرند، شناسایی خرافات بسیار ساده هم نیست زیرا هیچ آزمایشگاه و لابراتواری برای تشخیص خرافات و تفکیک آن

از دیگر باور ها، سنت ها و اعتقادات مردم در دسترس بشر نمی باشد و همچنان خرافات و پدیده های موهوم کدام مرز معین با سایر باور ها، سنت ها و اعتقادات مردم ندارد تا آنرا از عقاید مردم جدا کرده مرزبندی کنیم.

با استنباطات جامعه شناسانه و روان شناختی خرافات را چنین میتوان دسته بندی کرد:

خرافات آرمانی، عقیدتی یا جهانبینی مانند باور به خدایان، ارواح خبیث و جادو که به جادوی سیاه و سفید منقسم گردیده است.

خرافات در شیوه و روش زنده گی چون فال بینی، چشم زدن، کف بینی، بد شانسی، خوش شانسی، سفر، عروسی، تولد، رفع نحس ها و غیره موهومات.

خرافات در باره مسائل ماور آ طبیعت مانند پیشگویی در باره خشکسالی، قحطی، امراض، فاجعه و مرگ.

خرافات در باره اعداد، ارقام، رنگ ها، روز ها و زمان یعنی روز ها و اعداد نحس و سعد، اشیای سعد و نحس، رنگ های سعد و نحس و صد های دیگر که هیچکدام پایه و اساس منطقی و عقلانی نداشته و مردم را از جد و جهد، استنباط آگاهانه از مسائل بدور ساخته و به موهومات باور مند میسازد.

رشد و شیوع خرافات در کشور های مختلف فرود و فراز های مختلف را تجربه کرده است. گاهی با اعتقادات مذهبی مردم عجین شده و به جهان بینی مسلط تبدیل شده و اگر کسی به آن مخالفت کرده خطرات مرگ را بجان خریده است، مثال فرخنده شهید در شهر کابل نمونه مستند و بارز از این خرافه پرستی میباشد، پژوهش های جامعه شناسی بما نشان میدهد که خرافات و عقاید خرافی بیشتر در مواقعی شیوع پیدا میکند که جامعه با خطرات جنگ، بی نظمی های اجتماعی، اضطراب های اجتماعی ناشی از خشکسالی، قحطی، شیوع امراض مزمن و خطرناک و پدیده های مهلک که انسانها تفوق بر آنها در توان خویش نبینند روبرو باشد. بطور کل باور و اعتقاد به خرافات در یک اجتماع زمانی بیشتر میگردد که جای عقل، خرد و استدلال منطقی را جهل، نادانی، بیسوادی و عدم اعتماد به آینده بگیرد و مردم احساس کنند که در مانده شده اند. همان است که به خرافات پناه برده جای استدلال و منطق را موهومات، تعویض، دنبال، جادو، سحر، رویا پردازی، بخت باز کردن، طالع بینی، رمل اندازی، کف بینی، احضار اشباح، افسون و اعداد و روزها و رنگ های خوشبختی و نحس و صد ها موهومات ناشایست دیگر که پیامد ها و نتایج بسیار زیانبار را در جامعه باعث میگردد و مردم را از رسیدن به درک حقیقت و طرق و شیوه های عقلانی تفکر باز میدارد، روحیه مبارزه و تلاش برای زنده گی بهتر و تلاش برای حل منطقی پرابلم ها را مردود ساخته مردم را تن پرور و منفعل ببار می آورد. بدترین ویژه گی خرافات اینست که بسیار سهل و به بسیار آسانی در میان مردم جا گرفته و به بسیار مشکل از جامعه زدوده میشود. روان شناسان به این نظر اند که مردمان متعصب، افشار بیسواد و نادان اجتماع در برابر خرافات بیشتر آسیب پذیر تر اند و جوامع با سواد و بدون تعصبات کمتر آسیب پذیر اند یعنی جایگزین عقل و تفکر علمی حاکم است جایی برای خرافات باقی نمیماند. از لحاظ فردی هم خرافات انسان را به بی اراده گی و بی نقش بودن در سرنوشتش تلقین میکند تا او را از فعالیت اجتماعی برای بهبود زنده گی اش مانع گردد. ولی در جوامع بویژه جوامع عقب نگهداشته شده و آشوب زده هستند فراوان گروه هایی فرصت طلب که از بیسوادی، خوش باوری و وضعیت ناهنجار روحی مردم سوء استفاده کرده و به ترویج خرافات میپردازند و بیشتر افراد مضطرب، آنانیکه اعتماد به نفس ندارند، آنانیکه به دین و آئین خویش ایمان راسخ ندارند، افراد احساسی در معرض سوء استفاده بیشتر این گروه ها قرار گرفته و بدین ترتیب خرافات در جامعه شیوع پیدا میکند. همچنان پژوهش های جامعه شناسی و روان شناختی میرساند که بطور اوسط زنان بیشتر از مردان باور های خرافی دارند و به شیوع خرافات در جامعه نقش دارند. وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون و اینترنت هم نقش بسزایی در ترویج خرافات در جامعه دارند که امروزه تقریباً روان اکثریت آنهاست که به این وسایل دسترسی دارند در گرو این وسایل اطلاعات جمعی خاصاً تلویزیون و اینترنت میباشد.

ارگانهای اداره دولت در امور فرهنگی، مذهبی، موسسات تحصیلات عالی و متولیان دینی با این پدیده شوم به مبارزه بی امان برخاسته و واقع بینی و واقع گرایی را در میان مردم ترویج کنند، مردم بایبست ریشه یابی مستدل و منطقی از قضایا و طرح ها داشته باشند و موهومات و خرافات قانوناً قدغن گردد. وسایل اطلاعات همگانی بویژه تلویزیون با نشر برنامه های مشخص این پدیده نا میمون را با تمام ابعاد خطرناک اجتماعی آن به مردم روشن سازد تا مردم نه تنها به آن اعتقاد نداشته باشند بلکه این خرافات مایه نفرت همگانی گردد، الگوی فرخنده به مثابه لکه ننگ خرافات پرستی در کشور بحیث بهترین تکانه تبلیغاتی و آگاهی مردم برای زدودن این پدیده شوم بازتاب سراسری پیدا کرده و حکومت برای جلوگیری از تکرار چنین حوادث برای خشکاندن ریشه ها و عوامل این پدیده نا میمون تدابیر مشخص اتخاذ کند. نویسنده گان و نهاد های آموزشی و تربیتی با نشر آثار علمی برای رد خرافات در تربیت اولاد و وطن از طریق سیستم آموزشی و همچنان لازم است تا ریشه های اصلی خرافات که همان جهل و نادانی است بوسیله با سواد سازی عمومی مردم و پخش و اشاعه حقایق مستدل در جامعه از بین برده شود و در گامهای بعدی بوسیله ارگانهای فرهنگی و مذهبی و ادارات پژوهشی علمی ریشه ها و عوامل بروز خرافات ریشه یابی شده و راه های برون رفت از آن معین گردد. یعنی تدابیر سراسری غرض نجات جامعه از این بلای مهلک اجتماعی در همکاری تنگاتنگ تمام ارگانهای ذیربط اتخاذ و عملی گردد. ( پایان قسمت بیست و هشتم )

ادامه دارد